

Keddie, Nikki R.	آرکدی، نیکئی	سرشناسه
ریشه‌های انقلاب ایران / نیکئی آرکدی. : ترجمه عبدالحریم	گواهی	عنوان و پدیدآور
۱۳۸۵، علم، تهران، ص. ۴۷۰		مشخصات نشر
978 - 964 - 405 - 808 - 0		مشخصات ظاهری
	فیبا	شابک
Root of revolution	کتاب حاضر ترجمه‌ای است از کتاب	وضعیت فهرست‌نویسی
نیکئی آرکدی که فصلی از آن نیز توسط ریچارد یان به رشته	تحریر درآمده است.	یادداشت
کتاب حاضر در سال‌های قبل توسط ناشرین مختلف به چاپ	رسیده است.	یادداشت
ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - -- علل.	ریشار، یان	موضوع
Richard, Yann	گواهی، عبدالرحیم، ۱۳۲۳ - ، مترجم.	شناسه افزوده
DSR ۱۵۵۱/۵۴۹ ۱۳۸۶		شناسه افزوده
۹۵۵/۰۸۳		رده‌بندی کنگره
۱۰۵۸۳۹۳		رده‌بندی دیویی
		شماره کتابشناسی ملی

نیکی آر. کدی

ریشه‌های انقلاب ایران

ترجمه

دکتر عبدالرحیم گواهی



سنا

این اثر ترجمه است از:

Keddie, Nikki R.

Roots of Revolution:

An Interpretive History of Modern Iran.

New Haven: Yale University Press, 1981.



نشر

نشر علم

ریشه‌های انقلاب ایران

ترجمه: عبدالرحیم گواهی

چاپ اول (علم) ۱۳۸۶

چاپ: چاوشگران نقش

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر

خیابان انقلاب - بین خیابان فخررازی و دانشگاه شماره ۱۳۵۸

تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰



شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۵-۸۰۸-۷ - ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۵-۸۰۸-۷ - ISBN 978-964-405-700-7

فهرست

۱	مقدمه چاپ دوم
۵	مقدمه مترجم
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۵	فصل اول - دین و جامعه ایران تا آغاز قرن نوزدهم
۱۵	تاریخچه
۱۹	اسلام و جامعه
۵۶	فصل دوم - شالوده‌های ایران قرن نوزدهم
۸۱	فصل سوم - استمرار و تغییر در عهد قاجاریه (۱۸۹۰-۱۷۹۴)
۱۱۹	فصل چهارم - اعتراض و قیام (۱۸۹۰-۱۹۴۱)
۱۴۶	فصل پنجم - جنگ و رضا شاه (۴۱-۱۹۱۴)
۱۴۶	سالهای ۲۱-۱۹۱۴ (۱۲۹۳-۱۳۰۰)
۱۵۷	سالهای ۲۵-۱۹۲۱ (۴-۱۳۰۰)
۱۶۷	سالهای ۴۱-۱۹۲۵ (۲۰-۱۳۰۴)
۲۰۱	فصل ششم - جنگ جهانی دوم و مصدق (۵۳-۱۹۴۱)
۲۰۱	جنگ جهانی دوم: سالهای ۴۵-۱۹۴۱ (۲۴-۱۳۲۰)
۲۱۰	مسائل اجتماعی - اقتصادی بعد از جنگ
۲۳۱	بحران نفت و مصدق
۲۵۱	فصل هفتم - دیکتاتوری سلطنتی (۷۷-۱۹۵۳)
۲۵۱	مشخصه کلی این دوره
۲۵۶	سالهای ۶۰-۱۹۵۴ (۳۹-۱۳۳۳)
۲۶۵	سالهای ۶۳-۱۹۶۰ (۴۲-۱۳۳۹)
۲۷۸	رفورم، شکوفایی، انفجار - سالهای ۷۷-۱۹۶۳ (۵۶-۱۳۴۲)

- فصل هشتم - تفکر سیاسی جدید ایران
- ۳۱۷ گرایش‌های روشنفکری و ادبی تا سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹)
- ۳۱۷ تفکر معاصر شیعی (نویسنده یان ریشارد)
- ۳۴۸ هویت ایرانی در مقابل غربگرایی
- ۳۴۹ علما در فعالیتهای سیاسی
- ۳۵۲ متفکرین سیاسی - مذهبی شیعه در بیرون از سلک روحانیت
- ۳۶۴ نتیجه‌گیری
- ۳۸۶
- فصل نهم - انقلاب
- ۳۹۵ نیروهای مخالف چریکی و غیرمذهبی
- ۳۹۵ «مخالفین مذهبی» و انقلاب
- ۴۰۸ بررسی مختصری از انقلاب؛ «انقلاب در مصدر قدرت»
- ۴۳۷ نتیجه‌گیری
- ۴۵۹

www.ketabodan.com

مقدمهٔ چاپ دوم

اکنون که به خواست و همت برادران عزیز دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ترجمهٔ کتاب ارزشمند خانم پروفیسور کدی، مورخ و دانشمند مطلع و صاحب نام امریکایی، به زیور طبع مجدد آراسته می‌شود بر این جانب نیز فرض است که چند کلمه‌ای از باب مقدمهٔ چاپ جدید بیاورد.

در مقدمهٔ چاپ قدیم (که در زمستان ۱۳۶۹ به همت انتشارات قلم انجام شده بود) خاطر نشان کرده بودم که اصل انگلیسی کتاب کمی پس از انقلاب عظیم اسلامی ایران (در اوایل سال ۱۹۸۱ میلادی) نگارش یافته و در نوع خود اولین کتاب نسبتاً جامع و معتبری است که سوابق و مقدمات و مفاهیم و موضوعات اساسی انقلاب را به‌رشتهٔ تحریر درآورده است. به نظر من این صفت جامعیت و اعتبار هنوز هم به‌قوت خود باقی است و کتاب خانم کدی را، به‌رغم شاید چندین هزار کتاب که در فاصلهٔ این ۱۷-۱۸ سال در موضوع انقلاب نوشته شده، بحق می‌توان جامع‌ترین و بی‌طرفانه‌ترین آنها دانست. هرچند که سیر تحول حوادث انقلاب، و اوضاع و احوالی که در این مرز و بوم در سالهای پس از پیروزی انقلاب پیش آمد و به‌سیاری از خطّ و خط‌بازها، حذف و تضعیفها، و تهمت و افتراهای بجا و بیجا انجامید، تا حدودی این نویسندهٔ توانا و دوستاندار و دلسوز انقلاب اسلامی را نیز دلزده و مأیوس ساخته به نحوی که دیگر چندان در مورد ما مثبت نمی‌گوید و نمی‌نویسد، ولی باید اذعان داشت که تا به‌امروز ایشان یکی از مطلعترین چهره‌های ایران‌شناس غرب در روزگار ماست و حرف و سخنش دربارهٔ گذشته و حال ایران برای بسیاری از مغرب-زمینها حجت است.

در ابتدای مقدمهٔ چاپ اول همچنین آورده بودم که در تهیه و تدوین رسالهٔ دکتری خود در دپارتمان الهیات و ادیان دانشگاه اوپسلائی سوئد بسیار از کار حاضر خانم کدی سود برده‌ام (چون ایشان کتب و مقالات متعدد دیگری نیز در همین زمینه

نگاشته‌اند). در پاورقی نیز وعده داده بودم که متن اصلی این رساله (که در سال ۱۳۶۵ به تصویب دانشگاه مزبور رسید و به زبان انگلیسی است) به زودی در تیراژ وسیعتری در دسترس قرار داده خواهد شد که خوشبختانه این کار با کمک دوست عزیز و اندیشمندم، آقای هراتی انجام شد و علاقه‌مندان می‌توانند یک نسخه از آن را با ارسال درخواست خود به صندوق پستی ۴۵۱۲-۱۹۳۹۵ تهران دریافت نمایند. علاوه بر این، در همان‌جا نیز وعده کرده بودم که ترجمه فارسی رساله را نیز در دسترس دوستان دانش‌پژوه قرار دهم که هر چند ترجمه مذکور آماده است، اما بنا بر مصلحت اندیشی‌هایی فعلاً آن را چاپ نکرده‌ام. هنوز تب و شور احساس و هیجان و شعار، که البته در شروع و اوایل کار لازمه و ضروری هر انقلابی است اما حتماً باید بعداً به شور و شوق تثبیت و تمثیت امور و سازندگی و جبران خرابیها و زیانها و لطمات روحی و مادی حاصل از انقلاب بینجامد، بر بخش عظیمی از فضای جامعه حاکم است که طبیعتاً صبر و حوصله شنیدن یک رساله منطقی در باب اندیشه‌های مختلف در موضوعات اصلی و نیز فراز و نشیبهای انقلاب را ندارد و همان‌گونه که در مقاله نسبتاً عجولانه و جانبدارانه چند ماه پیش روزنامه رسالت دیدیم با این‌گونه مباحث، که قطعاً صد درصد در تأیید فلان نگرش و یا گروه خاص از حاکمیت نیست و بلکه کل انقلاب و اسلام را در نظر دارد، قدری یکطرفانه و غیرمنصفانه برخورد می‌شود که صد البته به نفع مملکت و انقلاب و اسلام هم نیست. قبلاً گفته‌ام که به اعتقاد حقیر در یک جامعه اسلامی آزاد و دموکراتیک حتماً باید زمینه طرح و بحث همه نظریات و دیدگاهها وجود داشته باشد تا از رهگذر آن، جامعه و مردم از بهترین مواضع و دیدگاههای محققان و اندیشمندان دلسوز به اسلام و انقلاب باخبر شوند و پس از این «استماع قول»، به تعبیر زیبای قرآن، از «احسن آن گفته‌ها و اقوال تبعیت کننده»، و الا خود گفتن و خود خندیدن که نشانه کمال و هنرمندی نیست، تازه اگر هم باشد قطعاً مایه خیر و صلاح جامعه و مملکت و عزت دنیا و آخرت ما نخواهد بود. اما نکته کوچکی را نیز باید اضافه کنم که این بحث، نیمه کاره و به نفع گروه خاصی تمام نشود، و یا حداقل یک جناح خاص آن را به نفع خود تعبیر و تفسیر نکند. وقتی می‌گوییم جامعه اسلامی، به مفهوم واقعی آن، باید آزاد باشد و امکان طرح همه حرف و سخنها در آن وجود داشته باشد این به معنای آن نیست که هرکس هم آزاد است (البته آزادی وجدانی و اسلامی و فطری افراد مورد نظر است و نه بگیر و ببندهای حکومتی) که هر چه دلش می‌خواهد بگوید و مردم را به هر فکر و راهی که خود می‌پسندد بکشاند. در یک جامعه اسلامی، و بلکه در کل جوامع انسانی و

هر جا که پای انسان خلیفه الله مطرح است، افراد آن جامعه هم باید از روی عقل و منطق و وجدان و شرع ببینند چه می‌گویند و چرا می‌گویند، قصد و غرض حرف نو زدن و مردم را به خود خواندن و انتظار را به سوی خویش برگرداندن است و یا اینکه هدف و غایت خداست و رضای خدا و خدمت به خلق خدا؟ به نظر من اگر این دومی باشد، دیگر کسی نتواند به راحتی بگوید که: «در جامعه ما عده‌ای در روزنامه‌ها و منابر می‌گویند که دین برنامه حیات انسانها از ابتدای تولد تا زمان مرگ و پس از مرگ می‌باشد، در حالی که به نظر بنده این سخنان نسنجیده‌ای است که هیچ‌گونه حجتی برای آن وجود ندارد و صرفاً یک ادعای شعارگونه است.»^۱ البته شخص باید خودش نگوید؛ روی وجدان دینی و فطرت حق‌جوی انسانی‌اش نگوید؛ به خاطر احترام به عقل و دین و دانش نگوید؛ برای حرمت نهادن به آزادی مسئولانه و مسئولیت آزاد بودن نگوید؛ ... نه اینکه ما نگذاریم بگوید. این دو با هم از زمین تا آسمان متفاوت است. اگر حکومت و دولت و گروه‌های فشار نگذارند بگوید، این می‌شود عین دیکتاتوری و خودمحموری که برزنده یک جامعه اسلامی نیست؛ اما اگر خود نگوید این می‌شود مسئولیت‌شناسی یک روشنفکر مسلمان که فی الواقع در صدد زدن حرفی است که مردم را به خدا بخواند و یک گام به‌خیر و صلاح دنیا و آخرتشان نزدیکتر فرماید. بنده تعجب می‌کنم، مگر می‌شود یک روشنفکر - و یا حتی در این مورد خاص غیر روشنفکر - مسلمان نداند که هدف دین تأمین حیات [به معنی صحیح قرآنی کلمه] و سعادت دنیا و آخرت افراد از راه تصحیح و تنظیم امور و معیشت دنیوی آنهاست؟ مگر می‌شود این نکته بدیهی را نفهمید و یا اذعان نکرد که دین، حتی در آنجا که می‌گوید دروغ نگو، مشروب نخور، فحشا نکن و ...، هدفش اصلاح وضع جامعه است تا در فضای سالم حاصله عقل و خرد و وجدان و روح آدمیان شکوفا گردد و نه تنها امور دنیایشان بر بهترین شیوه تنظیم گردد، بلکه آخرتشان نیز تأمین شود؟ مگر می‌شود ندید و یا تصدیق نکرد که صفحه به صفحه قرآن پر از دستورهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حکومتی است که همه مربوط به دنیای افراد بشر است تا به مصداق کلام شریف «الدنيا مزرعة الآخرة» با ایجاد و ساخت یک دنیا خوب و سالم، آخرتی خوب و سعادت‌مندانه نیز ساخته و تضمین شود؟ البته در کنار دستورهای فقهی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی و اقتصادی و

۱. نقل از سخنرانی اخیر آقای دکتر سروش درباره «کارکردهای دین» در دانشگاه تربیت مدرس به نقل از خبرنامه جامعه روحانیت مبارز.

حکومتی و یا به‌طور خلاصه، الهی و شرعی، همه‌جا نیز عنایت به عقل و سازوکارهای عقلایی نیز مطرح است و اصلاً تباینی بین دین و عقل نیست که ما بخواهیم بگوییم جامعه را باید با شیوه‌های عقلانی اداره کرد و نه دینی! دینی که با عقل سرستیز داشته باشد از اصل پذیرفتش محلّ سؤال و اعتراض است که آن یقیناً دین محکم اسلام نیست. البته اگر ایراد و اعتراض به شیوه‌های موجود کارکرد و اجرای دین در جامعه باشد که خوب بسادگی و درستی می‌توان گفت آقا من به این‌گونه دینداری و دین باوری شما حاکمان و یا عالمان دینی اعتراض دارم و فکر می‌کنم فلان حکم شرعی را باید این‌طور مطرح و پیاده کرد و نه آن‌گونه که شما می‌گویید و می‌کنید. اما این مطلب دیگری است و زیر سؤال بردن اصل دین و زمینه‌های کارکرد و عملکرد آن چیز دیگری! تازه این همه تبلیغات و سروصدا لازم ندارد که مردم بیایند و مارگیری ازدها آورده است! فهمها از دین متفاوت است و طبعاً بعضی درست و بعضی دیگر نادرست می‌باشد و در نتیجه، پیاده کردنها هم که بر مبنای همین فهم و دریافتهاست متنوع و بعضی قطعاً نادرست و گاهی واژه‌گونه است که باید دلسوزانه شناخت و اصلاح و تصحیحش کرد. بگذریم.

رَبَّنَا اجْعَلْ عَوَاقِبَ امْرُنَا خَيْرًا

عبدالرحیم گواهی

تهران، نوروز ۱۳۷۵ شمسی

مقدمه مترجم

سخنی چند به عنوان پیشگفتار

در خلال ترجمه کتاب، که از سحرگاه ۲۸ مهرماه ۱۳۶۶ (در وین) تا بامداد ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۷ (در تهران) به طول انجامید، نکاتی به ذهنم آمد که در گوشه‌ای یادداشت کردم تا بعداً به عنوان "مقدمه مترجم" بر کتاب مرتب کنم. حال اجازه می‌خواهم عین آن نکات را به همان ترتیب یادداشت شده بیاورم و تقدم و تأخر و نظم و ترتیبشان را به ذهن نقاد خوانندگان گرامی واگذار کنم.

این جانب با کتاب جالب خانم کدی، استاد، مؤلف و مورخ معروف امریکایی، برای نخستین بار در حدود ۹-۸ سال پیش و در جریان مطالعه منابع خارجی پیرامون علل و عوامل انقلاب ایران - البته از دید غربیها - که مورد نیاز و تحقیق رساله دکتری در دست تدوینم در رشته فلسفه و الهیات دانشگاه اوپسالا سوئد بود آشنا شدم^۱. از همان زمان آشکار بود که کتاب مزبور از اولین، مستندترین و تا حدودی معتبرترین کتبی است که محققین ایران‌شناس و شرق‌شناس غربی و بویژه امریکایی، در مورد انقلاب ایران نوشته‌اند.

مؤلف، خانم نیکی ر. کدی، استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس (U.C.L.A.) است که تعداد مقالات و کتب او در مورد ایران، اسلام، انقلاب، تشیع و... از دهها مورد متجاوز است. از آنجایی که بسیاری از این کتب و مقالات در متن کتاب حاضر نیز مورد استاد و مراجعه قرار گرفته‌اند لذا از تکرار فهرست آنها در

۱. رساله مزبور تحت عنوان جنبه‌های نظری و ابعاد مذهبی انقلاب اسلامی ایران تهیه و در سال گذشته مسیحی (۱۹۸۶) ارائه و مورد دفاع و تصویب قرار گرفت. متن انگلیسی آن یک بار در نیراز کم و برای سطح دانشگاهی در ژاپن چاپ شد و اکنون نیز در مقیاس وسیعتری در دست چاپ است و متن فارسی (ترجمه) آن نیز ان شاء الله روزی در دسترس هموطنان عزیز خواهد بود.

اینجا خودداری می‌کنم.

این جانب در کنگره بزرگی که در حدود پنج سال پیش در توکیو برگزار شد و در آن کلیه شرق‌شناسان جهان و از جمله تعدادی از علمای ایران چون آیت‌الله ابراهیم امینی و حجه‌الاسلام لبنانی و دیگران نظیر آقایان دکتر گرجی و دکتر سروش شرکت کرده بودند برای نخستین و تنها بار توفیق آشنایی با مؤلف را پیدا کردم. مقاله‌ای که ایشان در کنگره مزبور ارائه داشت روی هم رفته متین و تا حدود زیادی محققانه و بی‌طرفانه بود. خدایشان توفیق دهد.

و اما شأن اینکه بنده ترجمه کتاب و تقدیم آن به محققین و خوانندگان فارسی زبان را مفید دانستم این است که شخصاً اعتقاد راسخ دارم باید نظر دیگران را نیز، اعم از غربی و شرقی، در مورد انقلاب بزرگ اسلامی میهنمان شنید و خواند و با طرز تفکر، استدلال، تجربه و تحلیل - و احیاناً خرده‌گیری و انتقاد آنها در این مورد - آشنا شد.

همان طوری که ملاحظه خواهید فرمود، و بنده هم در نقد و بررسی این کتاب در مجله سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه با تفصیل نسبتاً بیشتری بیان کرده‌ام، کتاب خانم کدی هرگز از عیب و نقص و انتقاد خالی نیست. و مگر اساساً کدام کتاب و اثر - به‌غیر از کلام خدا و معصوم (ع) - هراندازه هم بزرگ و محققانه باشد، چنین است؟ بررسی نقاط قوت نظریات ایشان، و به‌کارگیری آنها، ما و نظام فکری و انقلابی ما را تقویت می‌کند، و متقابلاً شنیدن نظرات و انتقادات ما در وهله اول آگاهی خود مولف محترم و سپس جامعه روشنفکری غرب را نسبت به انقلاب عظیم ما بیشتر می‌کند و آنها را از اشتباه درمی‌آورد. در جهان فکر و اندیشه چاره‌ای جز تبادل افکار و اندیشه‌ها و نقد و بررسی همه‌جانبه تمام یافته‌ها و استنتاجات نیست و کسانی که خلاف این را می‌نویسند و یا تبلیغ می‌کنند، و بدون استثنا به همه دستاوردهای فکری غرب (و یا شرق) آگاهانه می‌تازند، به‌قول یکی از آقایان دست به قلم «خرمهره را به جای صدف جای می‌زنند!»

اینجانب، حداقل در خلال این کتاب، در صدد نقد و بررسی کامل افکار خانم کدی نبوده‌ام. این کار نیاز به حوصله و مجال بیشتری دارد. در جای‌جای ترجمه ممکن است یکی دو نکته کوچک را به مصلحت و یا ضرورت تذکر داده باشم که مقدار بیشتری از آنها را نیز در رساله یادشده در معرض قضاوت قرار داده‌ام که چاپ انگلیسی آن مدتی است به اتمام رسیده و چاپ فارسیش نیز ان‌شاءالله روزی پیش

روی شما خواهد بود. اما به هر حال بررسی کامل و جامع همه نظریات ارائه شده در کتاب ایشان مستلزم آن است که اندیشمندان و متفکرین متن آن را کاملاً مطالعه کنند. همچنین این نظریات را باید بتدریج به صورت مقالات انتقادی در روزنامه‌ها و نشریات مربوطه در دسترس علاقه‌مندان قرار داد. در همین جا یادآوری کنم که دوست فاضل و اندیشمندم جناب آقای چهل تنی زحمت و پراستاری این ترجمه را با صبر و حوصله پذیرفتند و در تکمیل و احیاناً تصحیح پاورقیها، بخصوص در زمینه مطالب اسلامی و شیعی، مرایاری کردند که بدین وسیله زحماتشان را اجر نهاده و صمیمانه تشکر می‌کنم - هرچند که اجر حقیقی تنها از ناحیه خداست.

بار دیگر باید یادآوری و ابراز امیدواری کنم که تصور نشود چنانچه متفکری به ترجمه اثری دست زده، این کار به خودی خود به معنی پذیرش کلیه مطالب و احیاناً نتیجه‌گیریهای آن اثر است. بنده دلایل خود را برای انتخاب و ترجمه کتاب حاضر، شرح دادم و اگر عمری باقی بود و مشیت و رضای خداوندی تعلق گرفت، در همین جهت چند اثر معروف دیگر در مورد انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه غرب را انتخاب و ترجمه خواهم کرد. در ضمن از کسانی که زود عنان فکر را به دست احساسات و تعصب می‌سپارند خواهشمندم حتی المقدور از زدن برچسبهای «غربی»، «غربگرایی» و «غرب زده» به این کتاب، مؤلف محترم آن، و یا این بنده عاصی بپرهیزند. اگرچه اینان برای این قبیل کارهای نابخردانه و خلاف شرع خود، و این گونه عنوان پراکنیهای بیجا، هرگز منتظر کسب نظر از هیچ بنده خدایی و از جمله این حقیر نمی‌شوند.

بنابر نظر خود، بعضی از مقدمات چاپ انگلیسی (نظیر تقدیم نامه کتاب که خانم کدی آن را به‌اریک رولو متفکر، نویسنده و مفسر سیاسی معروف فرانسه تحت این عنوان که او - رولو - با اندیشه‌های خود جهانها را بهم مرتبط می‌سازد تقدیم نموده است) و یا نقل یک شعر فارسی و قطعه‌ای به نقل از یک جامعه‌شناس قرن نوزدهم در نخستین صفحه کتاب، و ایضاً چندین صفحه تصاویر از بعضی از شخصیت‌های تاریخی و انقلابی و پاره‌ای از سنتهای ایرانی که طبیعتاً فقط برای خوانندگان غربی جالب بود و تازگی داشت، و بالاخره فهرست بسیار مفصل کتابشناسی آخر کتاب را (که تقریباً تمامی آنها در زمره پاورقیهای مؤلف آمده و لذا تحت همان عنوان نیز ترجمه و آورده شده‌اند) حذف کرده‌ام. دوستان علاقه‌مند می‌توانند برای دسترسی احتمالی به مطالب مزبور به متن اصلی کتاب مراجعه کنند، والا این ترجمه، به قول اهل اصطلاح، گرفتار «اطناب محفل» می‌گردد.

در مورد روش ترجمه هم از ذکر این نکته کوچک و در عین حال اساسی ناگزیریم که سبک ترجمه اینجانب، حداقل در کتاب حاضر، ترجمه تحت اللفظی و یا واژه به واژه نیست و در اضافه کردن یکی دو کلمه اضافه، و یا حرف ربط و غیره، تا جمله را رساتر و واضحتر می‌سازد، دروغ نکرده‌ام. این یک متن دقیق فلسفی و یا کتاب مقدس دینی نیست که نشود به اندازه یک کلمه در آن دست برد، اگرچه که در آنجاها نیز معلوم نیست سلیس و شیوا شدن بیان به حفظ امانت خشک نیارزد. در همین زمینه، از استعمال واژه‌های نامأنوس و بعضاً - می‌بخشید - ناهنجاری که اخیراً بعضی از دست‌اندرکاران در آیین‌نامه‌های نگارش پیشنهاد کرده‌اند حتی المقدور احتراز کرده و تا جایی که می‌شده کوشش کرده‌ام تا خوانندگان بفهمند مؤلف چه می‌گوید.

در جای جای متن دو گونه شماره برای پاورقی داریم: یکی اعداد بدون پرانتز و دیگری اعداد داخل پرانتز، که اولی مربوط به یادداشتهای مؤلف و در آخر کتاب و دومی مربوط به پاورقیهای مترجم و در پایین صفحات است.

اگر قرار باشد این بنده یک لحظه از نقش مترجم ساده درآمده و موقتاً، چون فلاسفه و علمای علم الاجتماع، حکم کلی کنم باید بگویم که ما قوم ایرانی عجیب افراط و تفریط داریم. هرکس، هر ایده، هر حادثه و یا شخصیت تاریخی، هر حکومت و رژیم، هر خان و امیر، وزیر و وکیل را یا کاملاً می‌گوییم و نفی می‌کنیم و یا درست‌ترین و تایید می‌کنیم و هیچ نوع ارزیابی جامع مثبت و منفی و حد وسط و انصاف در کارمان نیست. برای مثال نگاه کنید به برخوردمان با شخصیت‌های تاریخی پنجاه سال اخیر مملکتمان: یک روز کوچه و خیابان و بازار به اسمشان می‌کنیم و فردا انگار نه انگار، یک روز شیخ نوری مرتجع و سلطنت طلب است و روز دیگر مترقی و مدافع اسلام؛ یک روز مرحوم مصدق بسیار خوب و قهرمان ملی است و روز دیگر بسیار بد و ...! آنجا که دفاع می‌کنیم گویی طرف در عمر ۹۰-۸۰ ساله‌اش یک کار بد و اشتباه هم مرتکب نشده و آنجا هم که نفی و سرکوب می‌کنیم گویا وی در تمام عمرش یک کار خوب که شایسته تعریف و تمجید باشد انجام نداده و یا یک قدم خیر در راه صلاح این آب و خاک برنداشته است! در مورد نویسندگان و کتب مغرب‌زمینی، و ایضاً وطنی و بومی، هم کارمان بر همین منوال است. کسی که از روی صدق و انصاف صدها عیب و ایراد رژیم و حکومتی را می‌شمارد خدا نکند یک بار، ولو از روی جهل و خطا، یک کلمه در همان مورد تعریف کند که فوراً فریاد «وا اسلاما» مان بلند می‌شود و چماق تکفیر و تحریم و غرب‌زده و لیبرال و ... و

باران تهمت و افترا جریان پیدا می‌کند. نمی‌دانم، شاید این یکی از دلایل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم باشد، به‌رحال کتابها نیز، همچون افراد و ایده‌ها و مکاتب، هرچه بزرگتر و پرمحتواتر باشند هم امکان وجود غلط و خطا در آنها بیشتر است و هم مخالفین بیشتری دارند. اما اگر قرار است اندکی منصف و قدرشناس باشیم بسیار درخور قدردانی و قابل اهمیت است که یک خانم نویسنده غربی (امریکایی)، محقق‌ی که اکثر سفرها و مطالعاتش دربارهٔ ایران را در زمان شاه و رژیم گذشته انجام داده و بورس تحصیلی عمده‌اش نیز از طرف بنیاد راکفلر (رفیق صمیمی شاه) پرداخت شد، این قدر از مفاسد و زیاده‌رویهای آن رژیم سخن بگوید. کتاب را بخوانید و خودتان قضاوت کنید.

ولاحول ولاقوه الا بالله العلی العظیم

عبدالرحیم گواهی

تهران. اردیبهشت ماه ۱۳۶۷

www.ketaboo.com

مقدمه چاپ سوم

در این پنج - شش سالی که از چاپ دوم ترجمه کتاب «ریشه‌های انقلاب» خانم نیکی کدی استاد سرشناس و بلندآوازه امریکایی (که من آخرین بار توفیق زیارتشان را سالها پیش در دانشگاه UCLA کالیفرنیا داشتم) می‌گذرد، دفتر محترم نشر فرهنگ اسلامی نیز، مثل جامعه انقلاب زده ما، دستخوش تغییر و تحولات چندی بوده است که کمترین نتیجه‌اش، از دید حقیر - که گفته‌اند «هر که نقش خویشتن بیند در آب» - این بوده که این کتاب ارزشمند، که بحق جایگاه یک کتاب درسی دانشگاهی را پیدا کرده بود، آن چنان در بازار کمیاب و نایاب شد که اساتید محترمی که آن را جزو متون درسی خویش قرار داده بودند ناگزیر به منابع دیگری روی بردند، که صد البته حیف شد! لذا وقتی همکاران جناب آقای مهدیان مدیریت محترم عامل جدید دفتر نشر فرهنگ اسلامی این مژده را دادند که به تنظیم و تسبیح جدی امور پرداخته‌اند و مجدانه در صدد تجدید چاپ آثار خوبی که مدت‌ها است در بازار کتاب پیدا نمی‌شوند برآمده‌اند - که خوشبختانه یا متأسفانه هفت - هشت تا از کارهای بنده نیز در این گروه قرار می‌گیرند - حقیر بدین امید که بالاخره روزگار انتظار عزیزان فرهنگ‌دوست و کتابخوان ایران زمین که این اواخر حتی از وین (اتریش) سراغ «ریشه‌های انقلاب» را از من می‌گرفتند دارد می‌رود که بسر آید، بر این مژده جان فشاندم و وقتی درخواست مقدمه‌ای کوتاه برای چاپ جدید کردند گفتم سمعاً و طاعة.

در مقدمه چاپ دوم (توسط همین دفتر، سال ۱۳۷۵) با تفصیل بیشتری راجع به این کتاب و اوضاع زمانه سخن گفته‌ام که امروز نیز بر همان عقاید و مواضع باقی هستم و از آنها نه چیزی کم و بر آنها نه چیزی اضافه می‌کنم. فقط خدمت عزیزان خواننده توجه می‌دهم که ببینند چقدر از مطالب و مباحثی که در آنجا - و آن ایام - بصورت یک احتمال و نگرانی مطرح شده بودند امروزه به عیان در جامعه باصطلاح اسلامی ما رواج پیدا کرده و تا چه حد مایه تشویش و دل‌مشغولی دلسوزان راستین انقلاب و اندیشمندان دینی و روشنفکران مذهبی شده است؟ بطوریکه امروزه حملات دائم و دایر دو جناح به یکدیگر و مجادلات و مخاصمات و بلکه موج اتهامات و حتی - مع‌الاسف - بگیری و بیند‌های آنان بقدری گسترش یافته که از عاقبت آن فقط باید به خدا پناه برد. «ربنا اجعل عواقب امورنا خیرا» ناگفته نگذاریم که این اواخر کتاب «کوثر - برداشتهایی از قرآن کریم» اینجانب نیز روانه بازار شده که عزیزان علاقمند می‌توانند بسیاری از باورها و توصیه‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی، عرفانی - سیاسی بنده را در آن مجموعه دو جلدی که به بحث و بررسی هزار و پانصد نکته ظریف از قرآن کریم می‌پردازد ببینند. امید آن که این وجیزه‌های ناقابل مقبول طبع ملت بزرگ و با فرهنگ ما قرار گیرد و بخشی از دین عظیم ما درس خوانندگان این مرز و بوم را به هموطنان خوب و عزیزمان اداء کند. جا دارد مجدداً از تلاشهای همکاران دفتر محترم نشر فرهنگ اسلامی و بویژه برادر ارزشمند جناب آقای الله مرادی و همکاران ایشان تشکر کنم و برای جملگی از درگاه ایزد منان مزید توفیقات، سلامتی و طول عمر، و عاقبت بخیری آرزو نمایم.

عبدالرحیم گواهی

تهران - شهریور ۱۳۸۱

صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۵۱۳

مقدمه مؤلف

کتاب حاضر شامل تحقیقات و مطالعاتی درباره تاریخ و سیاست ایران است که در خلال دو دهه انجام پذیرفته است، کاری که با رساله دکتری من آغاز شد و تا به امروز ادامه داشته است. افراد بسیاری، اعم از ایرانی و خارجی، در خلال این تحقیقات و مطالعات طولانی به من کمک کرده‌اند، به نحوی که ذکر نام و تشکر از همه آنها تقریباً غیر ممکن است. از غالب ایشان در کتابها و مقالات قبلی خود تشکر کرده‌ام. در اینجا فقط نام آن دسته از افرادی را که خصوصاً در کتاب حاضر به نحو چشمگیری کمک کردند ذکر می‌کنم. البته آنهایی را که ذکر نامشان ممکن است برایشان دردسر و یا ناراحتی فراهم آورد از قلم خواهم انداخت.

قبل از همه باید تشکر قلبی خود را از همکاران دانشگاهی بسوار برجسته و پر توانم براد هانسون^۱ و جولیا کلنسی^۲ ابراز دارم. همچنین نسخه کامل پیش‌نویس کتاب را افراد زیر مطالعه و به گونه مفیدی نقادی کردند: جین گارت‌ویت^۳، جان گرنی^۴، فرد هالیدی^۵، جان پری^۶، م. ح. پسران^۷ و استانی و لپرت^۸. همچنین، بخشهایی از پیش‌نویس کتاب را نیز افراد زیر مطالعه کرده‌اند که هر کدام پیشنهادات مفیدی ارائه دادند: شائول بخاش^۹، جیمز بیل^{۱۰}، خوان کول^{۱۱}، ریچارد کاتم^{۱۲}، برادهانسون^{۱۳}، یان ریشارد^{۱۴}، باری روبین^{۱۵} و آندرو ویتلی^{۱۶}.

1. Brad Hanson
3. Gene Garthwaite
5. Fred Halliday
7. M. H. Pesaran
9. Shaul Bakhsh
11. Juan Cole
13. Brad Hanson
15. Barry Rubin

2. Julia Clancy
4. John Gurney
6. John Perry
8. Stanley Wolpert
10. James Bill
12. Richard Cottam
14. Yann Richard
16. Andrew Whitley

علاوه بر این، باید از نانسی لین^۱ از بخش انتشارات دانشگاه آکسفورد که یک نسخه از متن چاپ نشده کار باری روین به نام راهی که بانیات خوب هموار گردید را در اختیار من گذاشت تشکر کنم. در همین زمینه باید از افراد زیر نیز که کار مشابهی انجام دادند و نسخه‌هایی از کتب و مقالات خود را قبل از چاپ و انتشار در اختیار من گذاردند تا در اثر حاضر مورد استفاده قرار گیرد، تشکر کنم: منگول بیات^۲، جین گارتویت، اریک هوگلوند^۳، هماکاتوزیان، میخائیل لدین^۴، و سرانجام جان استمپل^۵. در این میان یان ریچارد بسیار کمک کرد تا بتوانم فصلی را که به قلم او نوشته شده بود با تغییر و تبدیلات فراوان به صورتی درآوریم که بتوان آن را به‌طور هماهنگ با سایر فصول این کتاب چاپ کرد.

در طول سالیانی که من روی این اثر کار می‌کردم از بورسهای تحقیقاتی متعددی در ایران، اروپا و آمریکا استفاده کرده‌ام. اگر بخواهم آنها را به ترتیب زمانی اسم ببرم باید از بورسهای «انجمن زنان دانشگاهی آمریکا»، «شورای تحقیقات علوم اجتماعی»، «شورای انجمنهای تحصیلکردگان آمریکا (دو بورس)»، «بنیاد جان سیمون گوگنهایم»^۶، «انجمن فلسفه آمریکا»، واحدهای تحقیقاتی دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس و در آخر در مورد این کتاب خاص از بورس بنیاد راکفلر نام ببرم که از همه آنها، و بخصوص این آخری، بسیار متشکر و سپاسگزارم.

در پایان باید تشکر خود را از چارلز گرنج ویراستار دانشگاه ییل^۷ ابراز دارم. او کاری را که گاهی بسیار مشکل و سخت به نظر می‌رسید با گشاده‌روی و بذل وقت و زحمت فراوان، بسیار مطبوع انجام داد. افراد دیگر در مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه ییل نیز بسیار مددکار و ذی‌قیمت بودند که از آن جمله باید از ربرت براون^۸، که مسئولیت تصحیح نسخه‌های چاپی را بر عهده داشت، و نیز همه کسانی که مسئولیت ماشین‌نویسی متن را بر عهده داشتند نام ببرم.

برای نمایش تلفظ کلمات از سیستم ساده‌ای استفاده شده و از نشانه‌های تشخیص بالای حروف (مثل *é*)، حتی به نقل قول متون دیگر، استفاده به عمل نیامده است. در این سیستم از حروف *o* و *e* برای نشان دادن حروف صدادار کوتاه در زبان فارسی استفاده کرده‌ایم، البته بجز موارد معدودی که در غالب آنها با واژه‌های نسبتاً مشهور

1. Nancy Lane

2. Mongol Bayat

3. Eric Hooglund

4. Michael Ledeen

5. John Stempel

6. John Simon Guggenheim Foundation

7. Charles Grench (3) Yale University

8. Robert Brown

مذهبی سروکار داشته‌ایم که نمایش آنها با (u) و یا (i) رایج بوده است. پاره‌ای از اسامی اشخاص و یا اماکن هستند که نمایش تلفظ آنها در غرب به صورتی متفاوت با سیستم انتخابی ما جا افتاده است. ما آنها را به همان صورت متداول در غرب به کار برده و تغییر نداده‌ایم. تا قبل از دوره رضاشاه همواره اسامی افراد با عناوین و القابی همراه بوده است که ما این عناوین را با حروف مایل نشان داده‌ایم.

در کتابی که برای تألیف آن در طول سالیان زیاد کتب فراوانی به زبانهای گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته‌اند ارائه فهرست کامل همه آن مراجع در پانوشتها و یا فهرست کتاب‌شناسی آخر کتاب تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. لذا در کتاب حاضر، جز در فصلی که یان ریچارد نوشته است، تنها به ذکر عناوین پاره‌ای از منابع انتخابی، عمدتاً به انگلیسی، اکتفا شده است. اغلب کتب و مقالاتی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند خود دارای پاورقی و فهرست کتب کاملی می‌باشند که خواننده علاقه‌مند، چنانچه بخواهد روی مطلب خاصی تحقیق کند، می‌تواند به آنها مراجعه کند. فهرست کتب انگلیسی ارائه شده نیز به معنای فهرست کامل همه کتبی که در پاورقیها و یادداشتها اشاره شده‌اند نیست و بلکه بدین منظور است تا کسانی را که می‌خواهند روی موضوع خاصی بیشتر تحقیق کنند، و یا اینکه اساساً می‌خواهند راجع به تاریخ و فرهنگ جدید ایران آشنایی بیشتری پیدا کنند، راهنمایی کند. بخشی از این کتاب براساس مصاحبه‌ها و مشاهداتی است که من در خلال هشت سفر به ایران در فاصله سالهای ۷۹-۱۹۵۹ میلادی (۵۷-۱۳۳۸) انجام داده‌ام.

نیکی. آر. کدی

لوس آنجلس - کالیفرنیا

مارس ۱۹۸۱